

نهادها و توسعه در کشورهای خاورمیانه^۱

محمدحسین فاتحی دابانلو، کامبیز هژبرکیانی*، عباس معمارنژاد، محسن مهرآرا

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۲۰

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی تاثیر متقابل نهادها و توسعه در کشورهای خاورمیانه می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها کشورهای خاورمیانه به دو گروه نفتی و غیرنفتی تقسیم و سپس مدل‌های تحقیق به صورت سیستمی و با روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای (3SLS) در داده‌های پانل طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۴ برای دو گروه برآورد می‌شود. از آزمون‌های والد، کروسکال_الیس و حداقل اختلاف معنادار برای ارزیابی تاثیر متقابل نهادها و توسعه استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت و کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت، تفاوت معناداری بین تاثیر متقابل نهادها و توسعه وجود دارد. ضریب برآوردی تاثیر توسعه بر نهادها در هر دو گروه بیش از ضریب برآوردی تاثیر نهادها بر توسعه است. بنابراین، توجه به توسعه خود به خود علاوه بر بهبود شاخص‌های آن، شرایط نهادها را ارتقا داده و باعث بهبود عملکرد این شاخص‌ها می‌شود. این تاثیر از طریق نهاد نیز وجود دارد ولی سرعت تغییر از طرف توسعه بیشتر است.

طبقه‌بندی JEL: O15, O57, O43

واژگان کلیدی: نهاد، توسعه، صادرکننده نفت، خاورمیانه.

^۱ مقاله مستخرج از رساله دکتری محمد حسین فاتحی دابانلو به راهنمایی دکتر کامبیز هژبرکیانی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران است.

دانشجوی دکتری اقتصاد، گروه اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

fatehi@iaufb.ac.ir

استاد اقتصاد، گروه اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول). پست الکترونیکی:

kianikh@yahoo.com

استادیار اقتصاد، گروه اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

ab_memar@yahoo.com

mmehrara@ut.ac.ir

استاد اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

۱. مقدمه

نظریه‌های زیادی برای تبیین رابطه نهادها و توسعه وجود دارد. این ارتباط متناسب با ساختار نهادها و بازیگران تغییر می‌کند. محیط جغرافیایی که مفاهیمی مثل آداب و رسوم و فرهنگ را در خود دارد و ساختار نفتی اقتصاد که با تبعات اقتصادی و سیاسی همراه است، می‌تواند بر نحوه تاثیر و میزان اثرگذاری متقابل نهادها و توسعه موثر باشد. مساله اصلی عدم تمایز و نبود تبیین علمی برای این تفاوت‌ها می‌باشد. کشورهای صادرکننده نفت علاوه بر اینکه برای ورود این کالا پرداختی ندارند از صادرات این محصول درآمد سرشاری به دست می‌آورند. به نظر می‌رسد عامل نهاد می‌تواند در استفاده از این موهبت در جهت توسعه تعیین‌کننده باشد. در مبانی نظری و تجربی توسعه، کارکرد نهادها به یکی از موضوعات اساسی تبدیل شده و کشورهای خاورمیانه به دلیل موقعیت استراتژیک جغرافیایی و برخورداری برخی از آنها از درآمدهای حاصل از صادرات و فروش نفت از اهمیت ویژه‌ای برای تحقیق برخوردارند (ارقا^۱، مساگان^۲، ۲۰۱۶: ۶۰۳-۶۱۹).

کشورهای خاورمیانه شامل جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، اردن، قطر، کویت، لبنان، اسرائیل، بحرین، افغانستان، پاکستان، اردن، یمن، مصر و امارات متحده عربی می‌باشند و کشورهای صادرکننده نفت براساس متوسط شاخص نسبت صادرات نفت به کل صادرات در دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۴ شامل کشورهای جمهوری اسلامی ایران، عراق، عربستان سعودی، عمان، اردن، قطر، کویت، بحرین، اردن، یمن، مصر و امارات متحده عربی است.

شاخص مورد استفاده بیشتر مطالعات تجربی برای فراوانی منابع نسبت صادرات سوخت از کل صادرات کالایی است و کشورهایی که بیش از ۵۰ درصد صادراتشان را نفت خام تشکیل می‌دهد، به اقتصادهای نفتی معروفند (بهبودی، اصغرپور، ممی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۴۸).

هدف اصلی این مقاله بررسی تاثیر متقابل نهادها و توسعه در کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه می‌باشد. بدین منظور، فرضیه تحقیق با استفاده روش‌های والد^۳ و کروسکال_والیس^۴

¹ Eregha.

² Mesagan.

³ Wald.

⁴ Kruskal-Wallis.

و حداقل اختلاف معنادار^۱ به آزمون برابری ضرایب حاصل از برآورد سیستمی می‌پردازد. تاثیر متقابل نهادها و توسعه همیشه مورد توجه محققان توسعه اقتصادی بوده است و عامل نفرین منابع می‌تواند اهمیت و ضرورت این توجه را تشدید نماید. از طرف دیگر، روش برآورد در بیشتر مطالعات تجربی به صورت تک معادلات است و در این مطالعه این تاثیر در قالب سیستم معادلات می‌باشد. در تک معادلات رابطه یک متغیر با یک یا چند متغیر بدون توجه به تاثیر متقابل متغیرهای مستقل بر هم و بر متغیر تابع و تاثیر می‌تواند بر سایر متغیرها داشته باشند یا از آن‌ها بپذیرند، برآورد صورت می‌گیرد ولی در سیستم معادلات به این اثرات توجه می‌شود (بالتاجی^۲، ۲۰۱۱).

در ادامه، ادبیات موضوع بیان می‌شود و در بخش سوم، روش تحقیق و نتایج تجربی ارائه می‌شود و بخش پایانی به نتایج و پیشنهادها اختصاص دارد.

۲. مروری بر ادبیات

نهادها یکی از عوامل مؤثر بر توسعه است که به صورت جدی از دهه ۱۹۹۰ مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است. اهمیت تاثیر نهادها بر توسعه، به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق متغیرهایی مانند بهره‌وری و سرمایه انسانی تا حدی است که برخی از محققان، نهادها را عامل اصلی مسیرهای متفاوت توسعه کشورها می‌دانند (رودریک^۳، سورامانیان^۴، تریبی^۵، ۲۰۰۲: ۱۴۹-۱۶۰؛ گلیسر^۶، لاپورتا^۷، سایلنس^۸، شلیفر^۹، ۲۰۰۴: ۲۷۱-۳۰۳؛ عجم‌اوغلو^{۱۰}، گالو^{۱۱}، رابینسون^{۱۲}، ۲۰۱۴).

¹ LSD.

² Baltagi

³ Rodrik.

⁴ Subramanian.

⁵ Trebbi.

⁶ Glesaser.

⁷ La Porta.

⁸ Silanes.

⁹ Shleifer.

¹⁰ Acemoglu.

¹¹ Gallego.

¹² Robinson

امروزه تفاوت‌های گسترده‌ای در سطح توسعه‌یافتگی و در نتیجه سطح درآمد و رفاه میان کشورهای توسعه‌یافته و دیگر کشورها وجود دارد. متخصصان رشته‌های علوم اجتماعی دلایل زیادی را برای وجود این تفاوت‌ها یاد می‌کنند. برخی، شرایط جغرافیایی و آب و هوایی را عامل توسعه می‌دانند (گالوپ^۱، ساچز^۲، میلنگر^۳، ۱۹۹۹: ۱۷۹-۲۳۲؛ دل^۴، اولکن^۵، ۲۰۱۴: ۷۴۰-۷۹۸). (۷۹۸)

برخی دیگر شرایط فرهنگی هر جامعه را عامل توسعه‌یافتگی آن جامعه می‌دانند. ایشان معتقدند شرایط فرهنگی جوامع توسعه‌نیافته مانند نبود اخلاق کاری مناسب، اعتقاد به جادو، مقاومت در برابر پذیرش افکار و فناوری‌های نو، باور بیش از حد به تأثیر عوامل ماوراءالطبیعه در زندگی، مانعی برای رسیدن جوامع به سطح مناسبی از توسعه می‌باشند (گویسو^۶، ساپینزا^۷، زینگالس^۸، ۲۰۰۶: ۲۳-۴۸؛ تابلینی^۹، ۲۰۱۰: ۶۷۷-۷۱۶).

گریف^{۱۰} (۲۰۰۶) نهادها را سیستمی از قوانین، اعتقادات، هنجارها و سازماندهی‌ها تعریف می‌کند که یک نظم از رفتارهای اجتماعی را به وجود می‌آورند. نهادهای هر جامعه با جامعه دیگر متفاوت است (عجم اوغلو، رابینسون^{۱۱}، ۲۰۰۸). مسئله اساسی در زمینه رشد اقتصادی کشورها نه کیفیت یک یا چند نهاد خاص بلکه روش پدید آوردن نظم در جامعه است. نحوه پدیدآوردن نظم، کیفیت نهادی و به تبع آن رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (عجم اوغلو، جیمینو^{۱۲}، رابینسون، ۲۰۱۵: ۲۳۶۴-۲۴۰۹).

برخی کشورهای دارای منابع طبیعی مانند نروژ که نظامی دموکراتیک دارند، دچار "نفرین منابع" نشده‌اند و توانسته‌اند از منابع خود برای رشد اقتصادی استفاده کنند (عبادی،

¹ Gallup.

² Sachs.

³ Mellinger.

⁴ Dell.

⁵ Olken.

⁶ Guiso.

⁷ Sapienza.

⁸ Zingales.

⁹ Tabellini

¹⁰ Greif

¹¹ Robinson

¹² Jimeno.

نیکونسبتی، ۱۳۹۱: ۱۲-۲۴). نظریه نفرین منابع که در سال ۱۹۹۳ توسط آوتی^۱ مطرح شد به ارتباط معکوس بین وفور منابع طبیعی و تولید اشاره دارد که می‌تواند فرآیند توسعه را به تاخیر اندازد (اسدی، بهرامی، طالب‌لو، ۱۳۹۲: ۹-۲۶؛ پاپیراکیس^۲، گرلاگ^۳، ۲۰۰۳: ۸). این نظریه بر مبنای این شناخت اساسی است که اقتصادهای فقیر از لحاظ منابع، عملکرد بهتری در مقایسه با اقتصادهای ثروتمند داشته‌اند (یوسوئی^۴، ۱۹۹۷: ۱۵۱-۱۶۲). نفرین یا برکت بودن منابع طبیعی به کیفیت نهادها مربوط است. در رژیم‌های دیکتاتوری منابع طبیعی تاثیری در جهت مخالف رشد اقتصادی و بهبود دموکراسی ایجاد می‌کنند (عبایدلی^۵، ۲۰۱۲: ۱۳۷-۱۵۲). ارتباط منفی میان فراوانی منابع طبیعی و توسعه از طریق اثر فراوانی منابع طبیعی بر سیاست‌های اقتصادی نیز قابل توضیح است. هرچه کشورها از لحاظ منابع طبیعی ثروتمندتر باشند، سیاست‌های کلان ضعیف در مدت زمان طولانی‌تر دوام می‌یابد و فشار کمتری برای رسیدن به بلوغ صنعتی وجود خواهد داشت. همچنین گروه‌های رانت‌جو ریشه‌دار می‌شوند (آوتی، ۱۹۹۴: ۱۱-۲۶؛ حمدی^۶، سبیا^۷، ۲۰۱۳: ۱۱۸-۱۲۵؛ الشاسی^۸، محدث^۹، ناگت^{۱۰}، ۲۰۱۵). ناگت^{۱۰}، ۲۰۱۵).

درآمدهای نفتی، تاثیر منفی بر رشد اقتصادی دارند. نهادها می‌توانند دست آورد اثرات منفی درآمدهای نفتی باشند (کاوالکنتی^{۱۱}، محدث، ریسی^{۱۲}، ۲۰۱۱: ۳۰۵-۳۱۸). بنت^{۱۳} (۲۰۱۷) و اوسی^{۱۴} (۲۰۱۶) معتقدند نهادها می‌توانند در بلندمدت بر توسعه موثر باشند. یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای بررسی رابطه مستقیم و غیرمستقیم نهادها و توسعه از طریق سرمایه انسانی است (فاریا^{۱۵}، یوفا^{۱۶}، مورالسدا، ناواروب^{۱۷}، ۲۰۱۶: ۱۸۶-۲۰۵؛ مویی^{۱۸}،

¹ Auty

² Papyrakis

³ Gerlagh

⁴ Usu

⁵ Al-Ubaydli.

⁶ Hamdi

⁷ Sbia

⁸ El-Anshasy.

⁹ Mohaddes.

¹⁰ Nugent.

¹¹ Cavalcanti.

¹² Raissi.

¹³ Bennett.

¹⁴ Evsey

¹⁵ Faria

¹⁶ Yufa.

۱۱۷:۲۰۱۷-۱۳۲؛ کلوسترمن^۵، ۱۸۶:۲۰۱۶-۲۰۵). تفاوت در ماهیت و عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی یکی از علل تفاوت در سطوح توسعه یافتگی کشورهاست. نهادهای سیاسی و حقوقی می‌توانند بر ساختار انگیزشی و فراهم کردن بستر مناسب برای فعالیتهای مولد در مقام عامل پیشبرد توسعه اقتصادی ظاهر شده یا در مقابل با ایجاد انحراف از تولید، افزایش هزینه‌های مبادلاتی و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری به عنوان یک عامل بازدارنده نقش ایفا کنند.

تاثیر توسعه بر نهادها می‌تواند هم مستقیم باشد و هم غیرمستقیم از طریق تاثیر توسعه بردیگر متغیرهای موثر بر نهادها مانند سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، مدیریت منابع طبیعی (امیری، شاه‌آبادی، ۱۳۹۵: ۹۳-۱۱۸؛ عجم اغلو و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۳۶۴-۲۴۰۹؛ سن^۶، ۲۰۱۴؛ باتالا^۷، میرسیانوس^۸، ۲۰۱۵: ۲۴۹-۲۶۹).

عجم اغلو و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی تاثیر نهادها بر توسعه می‌پردازند. متغیر اصلی نهادی در این مطالعه، شاخص نقش قانون در جامعه^۹ است. همچنین توسعه با استفاده از شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه نشان داده می‌شود. نتایج تحقیق حاکی از تاثیر مثبت نهادها بر توسعه است.

صدیقی^{۱۰} و احمد^{۱۱} (۲۰۱۳) در بررسی اثر نهادها بر توسعه اقتصادی از شاخص فناوری-های اجتماعی نهادسازی، حقوق سیاست‌گذاری و نهادی، حقوق سیاسی، شاخص کاهش ریسک و شاخص جهانی حکمرانی برای معرفی اثر نهادها استفاده نموده‌اند و توسعه اقتصادی را با تولید ناخالص داخلی نشان داده‌اند. این مطالعه به بررسی شدت اثرگذاری انواع نهادها بر توسعه اقتصادی می‌پردازد، نتایج نشانگر آن است که نهادها تاثیر مثبت و معناداری بر توسعه دارند. لاو^{۱۲}، لیم^{۱۳} و اسماعیل^۱ (۲۰۱۳) در بررسی اثر نهادها بر توسعه اقتصادی از شاخص

¹ Moralesd.

² Navarrob

³ Muye, Ibrahim Muhammad

⁴ Muye, Ibrahim Yusuf .

⁵ Kloosterman

⁶ Sen.

⁷ Batalla.

⁸ Myrthianos.

⁹ Rule of Law.

¹⁰ Siddiqui.

¹¹ Ahmed.

¹² Law.

¹³ Lim.

حکمرانی و شاخص هدایت بین‌المللی ریسک کشور^۲ برای نمایش وضعیت نهادها در هر کشور استفاده کرده‌اند. بنا به این مطالعه رابطه علیت دو طرفه بین نهادها و توسعه اقتصادی وجود دارد و الگوهای علیت بین نهادها و عملکرد اقتصادی در سطوح متفاوت درآمدی مختلف است.

علاوه بر تاثیر نهادها بر توسعه، توسعه نیز می‌تواند بر نهادها موثر باشد. با افزایش سطح درآمد کشورها و در نتیجه بهبود سطح توسعه آنها، سرمایه‌گذاری در بهداشت و آموزش به عنوان اجزای اصلی سرمایه انسانی افزایش می‌یابد (مینسر^۳، ۱۹۹۶ : ۲۹-۴۸؛ حمودی^۴، ساچس^۵، ۲۰۰۰؛ مهرآرا، موسایی، ۲۰۱۳ : ۵۵-۶۲؛ سن، ۲۰۱۴). از دیگر راه‌هایی که توسعه می‌تواند بر نهادها تاثیرگذار باشد، سرمایه اجتماعی است. این تاثیر می‌تواند از طریق اثرگذاری مثبت بر حس اطمینان افراد جامعه نسبت به همدیگر، احساس مسئولیت نسبت به همدیگر، افزایش انباشت سرمایه انسانی و اثرگذاری بر بهره‌وری و رشد و توسعه اقتصادی باشد (ساباتینی^۶، ۲۰۰۵؛ ماراکو^۷، پاسی^۸، ۲۰۱۰ : ۹۸۹-۱۰۰۲).

۳. روش تحقیق

از آنجا که هدف اصلی مقاله بررسی تاثیر متقابل نهادها و توسعه در کشورهای خاورمیانه صادرکننده و غیرصادرکننده نفت است، از روش سیستمی در قالب داده‌های پانل استفاده می‌شود:

$$DEV_{it} = \beta_0 + \beta_1 INS_{it} + \beta_2 INO_{it} + \beta_3 HC_{it} + \beta_4 EQU_{it} + \beta_5 \left(\frac{K}{L}\right)_{it} + \beta_6 DCP_{it} + \beta_7 POP_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$$INS_{it} = \phi_0 + \phi_1 DEV_{it} + \phi_2 HC_{it} + \phi_3 EQU_{it} + \phi_4 DCP_{it} + v_{it} \quad (2)$$

$$EQU_{it} = \chi_0 + \chi_1 DEV_{it} + \chi_2 INS_{it} + \chi_3 HC_{it} + \chi_4 \left(\frac{k}{L}\right)_{it} + \chi_5 GDP_{it} + \chi_6 EF_{it} + \mu_{it} \quad (3)$$

¹ Ismail.

² ICRG, International Country Risk Guide

³ Mincer

⁴ Hamoudi

⁵ Sachs

⁶ Sabatini

⁷ Marrocu

⁸ Paci

$$DCP_{it} = \lambda_0 + \lambda_1 INS_{it} + \lambda_2 HC_{it} + \lambda_3 EF_{it} + \lambda_4 INF_{it} + \Psi_{it} \quad (۴)$$

$$HC_{it} = \gamma_0 + \gamma_1 INS_{it} + \gamma_2 ITC_{it} + \gamma_3 DCP_{it} + \gamma_4 GDP_{it} + \gamma_5 FDI_{it} + \phi_{it} \quad (۵)$$

که DEV شاخص توسعه، INS شاخص نهادها، INO نوآوری، HC سرمایه انسانی، EQU برابری، K/L شدت سرمایه، DCP توسعه مالی، POP جمعیت، GDP تولید ناخالص داخلی، EF آزادی اقتصادی، INF تورم، ITC فناوری اطلاعات، FDI سرمایه گذاری مستقیم خارجی، t سال و i کشور می‌باشند.

برای شاخص توسعه از گزارش‌های سازمان ملل در مورد شاخص‌های توسعه پایدار استفاده شده است (هندریکس^۱، ۲۰۰۴: ۳۱۰-۳۳۴؛ سوپارائو^۲، ۲۰۰۸؛ سیلبربرگر^۳، ۲۰۱۵؛ بلوم^۴، کانینگ^۵، سویلا^۶، ۲۰۰۴: ۱-۱۳؛ بلوم و همکاران، ۲۰۰۵؛ گورگول^۷، لاج^۸، ۲۰۱۲؛ گالور^۹، سلدن^{۱۰}، سانگ^{۱۱}، ۱۹۹۴: ۱۴۷-۱۶۲؛ کونستانینی^{۱۲}، مونی^{۱۳}، ۲۰۰۸: ۸۸۰-۸۸۰؛ آلاق^{۱۴}، ۲۰۱۰: ۱۵۹-۱۷۸؛ باربیر^{۱۵}، ۲۰۰۳: ۴۱۸-۴۳۲؛ کونستانینی، لیبراتی^{۱۶}، ۲۰۱۱). برای شاخص نهادها از شاخص‌های حکمرانی بانک جهانی که عبارتند از شفافیت و پاسخ‌گویی^{۱۷}، ثبات سیاسی و عدم خشونت^{۱۸}، اثربخشی دولت^{۱۹}، کیفیت تنظیم‌گری مقررات^{۲۰}، تأمین قضایی^{۲۱}، کنترل فساد^{۲۲} استفاده می‌شود (دی‌آگوستینو^۱، دونه^۲، پیرونی^۳، ۲۰۱۲؛ سرتونگول^۴،

¹ Hendricks

² Subarao

³ Silberberger

⁴ Bloom.

⁵ Canning .

⁶ Sevilla.

⁷ Gurgul.

⁸ Lach

⁹ Galor.

¹⁰ Selden.

¹¹ Song

¹² Constantini.

¹³ Monni

¹⁴ Alagh

¹⁵ Barbier

¹⁶ Liberati

¹⁷ Voice and Accountability

¹⁸ Political Stability and Absence of Violence

¹⁹ Government Effectiveness

²⁰ Regulatory Quality

²¹ Rule of Law

²² Control of Corruption

سریتونگول^۵، پاستپیپاتکول^۶، ۲۰۱۳: ۷۱-۷۸؛ بویکوس^۷، ۲۰۱۳: ۱۳-۱۷؛ باخاموسا^۸، ۲۰۱۴: ۳۱۵-۳۳۵).

شاخص آزادی اقتصادی از پنج زیرشاخص مخارج دولت^۹، ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت^{۱۰}، آزادی پولی^{۱۱}، آزادی تجارت^{۱۱}، آزادی کسب و کار^{۱۲} تشکیل می‌شود. برای سرمایه انسانی از شاخص سال‌های تحصیل افراد ۱۵ سال و بالاتر بهره گرفته شده است. در محاسبه برابری از پنج شاخص نسبت افراد فقیر جامعه به کل جامعه، سهم درآمدی ۲۰ درصد ثروتمند جامعه، سهم درآمدی ۲۰ درصد فقیر جامعه، درصد جمعیت با دسترسی به آب سالم^{۱۳}، درصد جمعیت با دسترسی به فاضلاب^{۱۴} استفاده می‌شود. برای شدت سرمایه از نسبت انباشت سرمایه فیزیکی به تعداد نیروی کار استفاده می‌شود. برای توسعه مالی از شاخص نسبت اعتبارات اختصاص داده شده به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی استفاده می‌شود. برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از شاخص خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. برای تورم از شاخص قیمت مصرف‌کننده استفاده می‌شود. برای تولید ناخالص داخلی از شاخص تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۱۰ استفاده می‌شود. برای شاخص نوآوری از تعداد اختراعات ثبت شده توسط افراد مقیم هر کشور استفاده می‌گردد. برای جمعیت از شاخص تعداد افراد جمعیت استفاده می‌شود. برای فناوری اطلاعات از میزان دسترسی افراد به اینترنت استفاده شده است.

۴. نتایج تجربی

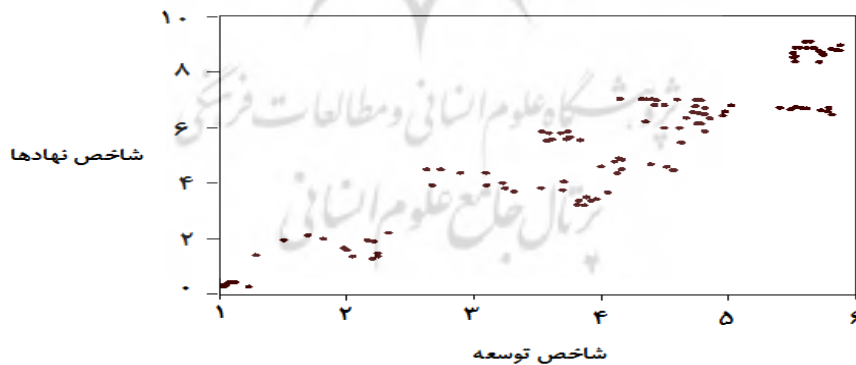
-
- ¹ D'Agostino.
² Dunne.
³ Pironi.
⁴ Srithongkul.
⁵ Pastpipatkul
⁶ Boikos
⁷ Baxamusa.
⁸ Government Spending
⁹ Property Rights
¹⁰ Monetary Freedom
¹¹ Trade Freedom
¹² Business Freedom
¹³ Improved Water Source.
¹⁴ Improved Sanitation Facilities.

در این بخش ابتدا به بررسی نتایج برآورد مدل پرداخته و سپس آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌شود.

۴-۱. برآورد مدل

مدل مورد نظر با استفاده از روش برآورد حداقل مربعات سه مرحله‌ای در داده‌های پانل برآورد می‌شود. برآورد مدل برای کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت حاکی از آن است که در معادله توسعه، ضریب نوآوری و در معادله نهادها، ضریب برابری و در معادله برابری ضریب تولید ناخالص داخلی و آزادی اقتصادی و در معادله سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از نظر آماری معنادار نیستند.

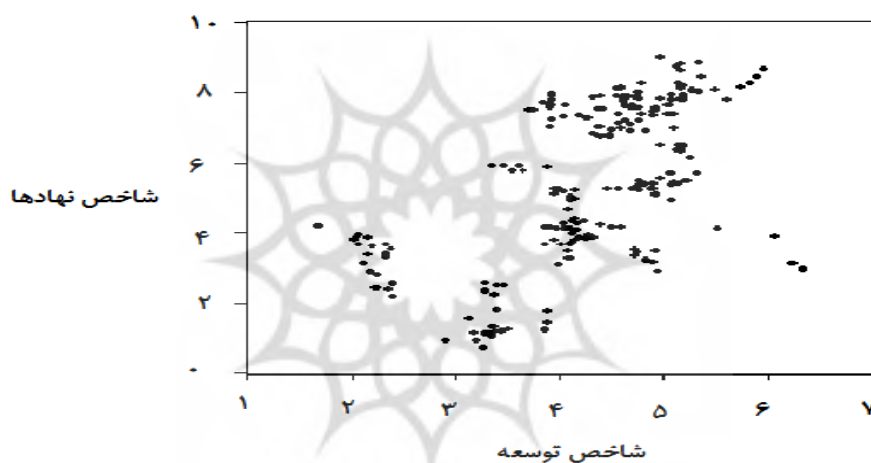
نمودارهای (۱) و (۲) رابطه نهادها و توسعه را برای کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت و غیرصادرکننده نفت نشان می‌دهند. این رابطه از چپ به راست صعودی است و حکایت از رابطه هم‌جهت و هم‌سو بین این دو شاخص دارد.



نمودار ۱. رابطه بین توسعه و نهادها در کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت

برآورد مدل برای کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت حاکی از آن است که در معادله توسعه، ضریب نهادها و در معادله نهادها، عرض از مبدا و ضریب سرمایه انسانی و در معادله

توسعه مالی، ضرایب سرمایه انسانی و آزادی اقتصادی و تورم و در معادله برابری ضرایب تولید ناخالص داخلی و آزادی اقتصادی از نظر آماری معنادار نیستند.



نمودار ۲. رابطه بین توسعه و نهادها در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت

تمرکز اصلی این پژوهش بر تفاوت و تمایز رابطه بین نهادها و توسعه در بین کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت و کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت است. به این ترتیب، معادلات اول و دوم که به تبیین این ارتباط می‌پردازند، از اهمیت بیشتری نسبت به سایر معادلات برخوردارند.

تاثیر متقابل نهادها و توسعه در کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده و صادرکننده نفت مثبت و در سطح ۵ درصد معنادار است. در مدل توسعه، ضریب نهادها در کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت برابر ۰/۰۵ می‌باشد؛ در حالی که در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت معادل ۰/۰۲ است. در معادله نهادها، ضریب توسعه در کشورهای

غیرصادرکننده و صادرکننده نفت به ترتیب ۰/۸۲ و ۱/۰۶ می‌باشد. در نتیجه، اثر توسعه بر نهادها در هر دو گروه کشورها بیشتر از اثر نهادها بر توسعه است.

جدول ۱. خلاصه برآورد برای کشورهای خاورمیانه

صادرکننده نفت		غیرصادرکننده نفت		متغیرهای مستقل	متغیر تابع
سطح احتمال	ضریب	سطح احتمال	ضریب		
۰	۱/۷۹۹۲	۰	۹۲۳۴	C.	DEV
۱۶۰۴	۲۴۹	۲۷۸	۵۳۷	INS.	
۱۷۳	۲۲۹	۲۷۷۰	-۰/۰۰۹۹	INO.	
۰	۸۳۶	۰	۹۹۴	HC.	
۰	۳۳۴۵	۰	۴۱۹۳	EQU.	
۰	۵۰۰	۰	۱۲۳۲	K/L.	
۰	۷۶۶	۸	۳۱۵	DCP.	
۲۶۵	-۰/۰۲۵۱	۰	-۰/۰۶۹۸	POP	
۹۵۴۲	-۰/۰۳۰۶	۰	-۱/۰۳۰۱	C	
۰	۱/۶۴۳	۰	۸۱۹۶	DEV.	
۸۳۳۶	-۰/۰۱۱۲	۰	۳۳۷۷	HC.	
۰	-۰/۴۳۸۳	۴۹۱۷	-۰/۰۳۹۸	EQU.	
۰	۷۲۱۳	۰	۲۷۴۲	DCP.	
۰	-۳/۳۸۳	۰	-۱/۸۸۴۳	C.	EQU
۰	۲/۵۲۷۳	۰	۲/۶۳۸۰	DEV.	
۱	-۰/۲۰۸۹	۴۰	-۰/۳۰۱۸	INS	
۰	-۰/۱۴۳۰	۶۶	-۰/۱۳۲۹	HC	
۱	-۰/۱۳۴۱	۰	-۰/۴۰۴۰	K/L	

متغیر تابع	متغیرهای مستقل	غیرصادرکننده نفت		صادرکننده نفت	
		ضریب	سطح احتمال	ضریب	سطح احتمال
GDP.	۶۰	۸۵۵۴	۱۲۳۰	-۰/۴۷۵۰	۱۲۳۰
		۱۴۶۰	۶۳۴	-۰/۰۸۶۹	۶۳۴
DCP	-۲/۸۵۲۴	۱	۷۳	-۱/۵۴۲۳	۷۳
		۰	۰	۹۹۵۵	۰
		۰	۱۸۹۱	۶۸۰	۱۸۹۱
		۱	۸۶۴۲	-۰/۰۱۳۹	۸۶۴۲
		۱۲۰	۴۰۹۴	-۰/۰۶۵۱	۴۰۹۴
		۹۷	۰	۳/۳۴۷۷	۰
		۰	۱	۳۵۵۹	۱
HC	۱/۴۶۰۴	۱۲۵	۸	۲۰۷۶	۸
		۰	۲۴۹	-۰/۲۱۰۱	۲۴۹
		۶	۰	۴۴۰۶	۰
		۹۸۱۵	۲	۵۷۸۴	۲
		۸۷۹۴	۰	۳/۳۴۷۷	۰
		۱۴۴۱	۱	۳۵۵۹	۱
		۱۴۴۱	۸	۲۰۷۶	۸

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۲. آزمون فرضیه

با توجه به هدف اصلی مقاله، فرضیه تحقیق عبارت بود از این که "بین تاثیر متقابل نهادها و توسعه در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت و کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت تفاوت معناداری وجود دارد"، برای آزمون این فرضیه از سه آزمون والد، کروسکال_والیس و حداقل اختلاف معنادار استفاده شده است. نتایج آزمون‌ها در جداول (۳) و (۴) ارائه می‌شود.

جدول ۲. خلاصه آزمون والد برای ضرایب اثرگذاری

توضیح	آماره	سطح احتمال
ضریب اثرگذاری توسعه بر نهادها در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت با کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت	۲/۶۸۷۹۵۳	۰/۱۰۱۱

۰/۲۶۳۱	۱/۲۵۲۱۴۴	ضریب اثرگذاری توسعه بر نهادها در کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت با کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت
۰/۲۳۶۲	۱/۴۰۳۳۳	ضریب اثرگذاری نهادها بر توسعه در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت با کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت
۰/۰۱۷۷	-۰/۰۲۸۸۵۲	ضریب اثرگذاری نهادها بر توسعه در کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت با کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون والد حکایت از تفاوت معنادار ضرایب برآوردی در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت با کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت هم از نظر تاثیر نهادها بر توسعه و هم از نظر تاثیر توسعه بر نهادها دارد. آزمون کروسکال_والیس علاوه بر آزمون والد برای تعیین برابری (تفاوت) میانگین‌های دو جامعه به کار گرفته می‌شود. در تمام آزمون‌ها، آماره کای دو برآوردی کمتر از کای دو جدول است و نتایج حاصل از این برآورد تاییدکننده نتایج آزمون والد در سطح ۹۵ درصد اطمینان می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون والد و کروسکال_والیس تفاوت ضرایب تاثیر نهادها بر توسعه و توسعه بر نهادها در کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت با کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت را رد نمی‌کند. بنابراین، این تفاوت به دست آمده را می‌توان مورد آزمون حداقل اختلاف معنادار قرار داد.

عدم تفاوت تاثیر نهادها بر توسعه در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت با همین تاثیر در کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت در سطح معناداری ۱۰ درصد پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر، اختلاف معناداری بین این دو تاثیر در آزمون حداقل اختلاف معنادار در سطح ۹۰ درصد اطمینان رد نمی‌شود. این سطح احتمال برای تاثیر توسعه بر نهادها ۹۹ درصد است.

جدول ۳. نتایج آزمون حداقل اختلاف معنادار

گروه کشورهای مورد مقایسه	جهت اثر	آماره	تفاوت ضرایب	سطح احتمال
خاورمیانه صادرکننده و غیر صادرکننده نفت	تاثیر نهادها بر توسعه	۰/۰۳۵۶۱۵	۰/۰۲۸۸۵۲	۰/۰۹۱۲
	تاثیر توسعه بر نهادها	۰/۰۸۸۱۵۳	۰/۲۴۴۶۴۲	۰/۰۰۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. نتایج و پیشنهادها

بررسی تأثیر متقابل نهادها و توسعه در کشورهای خاورمیانه موضوع اصلی این مقاله است. برای این موضوع فرضیه‌ای تعیین شد و بر اساس روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای سیستم معادلات برآورد گردید و با استفاده از آزمون‌های والد و کروسکال_والیس و حداقل اختلاف معنادار فرضیه مورد نظر آزمون شد. نتایج حاکی از تفاوت معنادار تأثیر متقابل نهادها و توسعه در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت با کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت دارد.

جدول ۴. مقایسه تأثیر متقابل نهادها و توسعه

اندازه ضریب	نوع	گروه
۰/۰۲۴۸۸۵	ضریب اثرگذاری نهادها بر توسعه	کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت
۱/۰۶۴۲۵۲	ضریب اثرگذاری توسعه بر نهادها	
۰/۰۵۳۷۳۷	ضریب اثرگذاری نهادها بر توسعه	کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت
۰/۸۱۹۶۱	ضریب اثرگذاری توسعه بر نهادها	

منبع: یافته‌های پژوهش

هرچند که در هر دو گروه کشورهای خاورمیانه صادرکننده و غیرصادرکننده نفت، علامت ضریب تأثیر توسعه بر نهادها و نهادها بر توسعه مثبت است؛ ولی اندازه آنها متفاوت می‌باشد. این ضرایب در سطح ۵ درصد معنادار بوده و تنها ضریب نهادها بر توسعه در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت معنادار نیست.

تأثیر توسعه بر نهادها در کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت نزدیک به ۲۳ درصد کمتر از همین تأثیر در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت است. همچنین تأثیر نهادها بر توسعه در کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت ۲/۱۶ برابر تأثیر نهادها بر توسعه در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت می‌باشد. این تفاوت بین دو گروه از نظر اثرگذاری نهادها بر توسعه و توسعه بر نهادها است. در داخل گروه‌ها نیز اثرگذاری‌ها یکسان نیست. اثرگذاری توسعه بر نهادها ۱۵/۲۵ برابر اثرگذاری نهادها بر توسعه در کشورهای خاورمیانه

غیرصادرکننده نفت است و این در حالی است که اثرگذاری توسعه بر نهادها در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت ۴۲/۷۷ اثرگذاری نهادها بر توسعه در این کشورها می‌باشد. آزمون والد برای تعیین برابری ضرایب، این تفاوت‌ها را تایید کرده و فرضیه صفر ما رد نمی‌شود. در این مقاله بیشتر به عامل تمایز درآمدهای نفتی علی‌رغم وجود یکسانی محیط جغرافیایی و تشابه در دین و برخی از فرهنگ و آداب و رسوم کشورها توجه شده است. عدم رد فرضیه بدین معناست که با وجود یکسانی محیط جغرافیایی و تشابه در دین و برخی از فرهنگ و آداب و رسوم، عامل درآمدهای نفتی می‌تواند باعث تفاوت در عملکرد نهادها بر توسعه و توسعه بر نهادها شود. این موضوع تاثیر عامل صادرات نفت یا همان چیزی که نفرین منابع گفته می‌شود بر تاثیر متقابل نهادها و توسعه را نشان می‌دهد. وجود درآمدهای سرشار از نفت، ساختار توسعه و نهادها را دستخوش تغییر کرده و بر تاثیر متقابل این دو، اثر گذاشته است. موضوع مورد مطالعه و متغیرهای مورد استفاده در آن و ماهیت تاثیرپذیری و تاثیرگذاری آن‌ها، بسیار زمان‌بر بوده و تقریباً غیرقابل دستکاری و توصیه‌پذیری است. لذا ارائه پیشنهادها با محدودیت‌های زیادی همراه است.

بیش از آنچه که نهادها باعث توسعه شوند، توسعه باعث بهبود نهادها می‌شود. این موضوع در مورد کشورهای خاورمیانه اعم از صادرکننده و غیرصادرکننده نفت صادق است. لذا توجه به توسعه خود به خود علاوه بر بهبود شاخص‌های آن، شرایط نهادها را ارتقا داده و باعث بهبود عملکرد ایشان می‌شود. این تاثیر از طریق نهاد نیز وجود دارد، ولی سرعت تغییر از طرف توسعه بیشتر است.

پیشنهاد می‌شود دولت‌ها و تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران حکومت‌های خاورمیانه توجه بیشتری به بهبود شاخص‌های توسعه‌ای نمایند به این ترتیب علاوه بر ارتقاء شاخص‌های توسعه شاهد بهبود کیفیت شاخص‌های نهادها خواهیم بود. این روند به کمی تاخیر از طرف نهادها نیز امکان‌پذیر است.



شوریه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- امیری، بهزاد، شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۳). تاثیر نهادها بر توسعه کشورهای اسلامی عضو گروه D8 . *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصادی*، ۲ (۳): ۹۳-۱۱۸.
- اسدی، زیور، بهرامی، جاوید، طالب‌لو، رضا (۱۳۹۲). تاثیر پدیده نفرین منابع بر توسعه مالی و رشد اقتصادی در قالب الگوی پانل پویا. *فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*؛ ۳ (۱۰): ۹-۲۶.
- بهبودی، داود، اصغر پور، حسین، ممی‌پور، سیاب (۱۳۸۸). فراوانی منابع طبیعی، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، (۴۰): ۱۲۵ - ۱۴۸.
- عبادی، جعفر، نیکو نسبتي، علی (۱۳۹۱). منابع طبیعی، نهادها و رشد اقتصادی. *فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه و بودجه*، ۱۷ (۴): ۱۲-۲۴.
- Acemoglu, D. & Robinson, J. A. (2008). The role of institutions in growth and development. *Commission on growth and development*, Working Paper No. 10.
- Acemoglu, D., Gallego, F.A. and Robinson, J.A. (2014). Institution, human capital and development. *Instituto de Economia. Pontificia Universidad Católica de Chile*, Working Paper No. 449.
- Acemoglu, D., García-Jimeno, C. and Robinson, J.A. (2015). State capacity and economic development: A network approach. *The American Economic Review*, 105(8):2364-2409.
- Alagh, Y.K.(2010). The food, water and energy interlinkages for sustainable development in India. *South Asian Survey*, 17(1): 159-178.
- Al-Ubaydli, O. (2012). Natural resources and the tradeoff between authoritarianism and development. *Journal of Economic Behavior & Organization* , 81(1): 137-152.
- Auty, R.M. (1994). Industrial policy reform in six large newly industrializing countries: *The resource curse thesis*. *World development*, 22(1): 11-26.
- Baltagi, Badi H. (2011). *Econometrics*. *springer publiser*. 418_420.
- Batalla-Busquets, J.M. and Myrthianos, V. (2015). The impact of innovation and the use of ICTs on human capital development in Spanish industry . *Intangible Capital*, 11(2): 249-269.
- Barbier, E.B. and Cox, M. (2003). Does economic development lead to mangrove loss? a cross-country analysis. *Contemporary economic policy*, 21(4): 418-432.

- Baxamusa, M. and Jalal, A.(2014). The effects of corruption on capital structure : when does it matter?. *The Journal of Developing Areas*, 48(1): 315-335.
- Bennett, Daniel, Hugo J. Faria, James D. Gwartney and Daniel R. Orales (2017) . Economic Institutions and Comparative Economic Development:A Post-Colonial Perspective. *World Development* . (96): 503–519.
- Bloom, D.E., Canning, D. and Sevilla, J. (2004). The effect of health on economic growth: a production function approach . *World development*, 32(1): 1-13.
- Bloom, D.E., Canning, D. and Sevilla, J. (2005).Health and economic growth : reconciling the micro and macro evidence. *Center on Democracy, Development and the Rule of Law Working Papers*, 42.
- Boikos, S. (2013). Corruption, public expenditure, and human capital accumulation. *The Rimini Centre for Economic Analysis, Working Paper No. 17_13*.
- Cavalcanti ,Tiago V. de Vand Kamiar Mohaddes and Mehdi Raissi.(2011). Growth, development and natural resources: new evidence using a heterogeneous panel analysis. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 51(4): 305-318.
- Costantini, V. and Liberati, P. (2011).Technology transfer, institutions and development. *University Degli Studi, Dipartimen to Di Economia, Working Paper No 135*.
- Costantini, V. and Monni, S. (2008). Environment, human development and economic growth. *Ecological Economics*, 64(4): 867-880.
- Dell, M, Jones, B.F. and Olken, B.A. (2014). What do we learn from the weather? The new climate–economy literature. *Journal of Economic Literature*, 52(3): 740-798.
- D'Agostino, G., Dunne, J. and Pironi, L. (2012). Government spending, corruption and economic growth. University of Cape Town.*Southern Africa Labor and Development Research Unit (SALDRU), Working Paper No. 74*.
- El-Anshasy, Amany, Kamiar Mohaddes, and Jeffrey B. Nugent .(2015). Oil, Volatility and Institutions:Cross-Country Evidence from Major Oil Producers. *Cambridge Working Papers in Economics* .
- Eregha P.B, Ekundayo Peter Mesagan .2016) .Oil resource abundance, institutions and growth:Evidence from oil producing African countries. *Journal of Policy Modeling* 38 (2016) 603–619.
- Evsey Gurvich. (2016) .Institutional constraints and economic development . *Russian Journal of Economics* 2 , 349–374.
- Gallup, J.L, Sachs, J.D. and Mellinger, A.D. (1999).Geography and economic development. *International regional science review*, 22(2): 179-232.

- Galor, O. (2011). Inequality, human capital formation and the process of development . *National Bureau of Economic Research*. No. w17058.
- Glaeser, E.L, La Porta, R, Lopez-de-Silanes, F. and Shleifer, A. (2004). Do institutions cause growth?. *Journal of economic Growth*, 9(3): 271-303.
- Greif, A. (2006). Institutions and the path to the modern economy: Lessons from medieval trade . *Cambridge University Press*.
- Guiso, L., Sapienza, P. and Zingales, L.(2006). Does culture affect economic outcomes? *The journal of economic perspectives*, 20(2): 23-48.
- Gurgul, H. & Lach, L. (2012) .Political instability and economic growth: evidence from two decades of transition in CEE. *MPRA, Working Paper No. 37792*.
- Hamdi, H. and Sbia, R. (2013). Dynamic relationships between oil revenues , government spending and economic growth in an oil-dependent economy. *Economic Modelling*, 35: 118-125.
- Hamoudi, A.A. and Sachs, J.D. (2000). Economic consequences of health status : A Review of the Evidence. *Chicago - Graduate School of Business, Working Paper No. 30*.
- Hendricks, L. (2004). Taxation and human capital accumulation. *Macroeconomic Dynamics*, 8(03): 310-334.
- Hugo J. Faria , Hugo M. Montesinos-Yufa , Daniel R.Moralesd, Carlos E. Navarrob .(2016) .Unbundling the roles of human capital and institutions in economic development. *European Journal of Political Economy* 45, 108–128
- Kloosterman ,Andrew,Andrew Schotter. (2016). Complementary institutions and economic development: Anexperimentalstudy. *Games and Economic Behavior* . 99 , 186–205.
- Law, Siong Hook, Thong Cheen Lim, Normaz Wana Ismail .(2013). Institutions and economic development: A Granger causality analysis of panel data evidence. *Economic Systems*, 37(4): 610-624.
- Marrocu, E., and Paci, R. (2010). The effects of public capital on the productivity of the Italian regions. *Applied Economics*, 42(8): 989-1002.
- Mehrara, M. and Musai, M. (2013). The relationship between economic growth and human capital in developing countries. *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, 5, 55-62.
- Mincer, J.A. (1996).Economic development, growth of human capital, and the dynamics of the wage structure. *Journal of Economic Growth*, 1(1): 29-48.
- Muye,Ibrahim Muhammad, Ibrahim Yusuf Muye.(2017).Testing for causality among globalization, institution and financial development: Further evidence from three economic blocs .*Borsa _Istanbul Review* 17-2 , 117_132.

- Papyrakis, E. and Gerlagh, R.(2003). Natural resources: a blessing or a curse?. *Fondazione Eni Enrico Mattei, Working Paper* No 2003.8.
- Rodrik, D., Subramanian, A. & Trebbi, F. (2002). Institutions rule: the primacy of institutions geography and integration in economic development, *NBER, Working Paper* No. 9305:149-160.
- Sabatini, F. (2005). Social capital as social networks. a new framework for Measurement. *A New Framework for Measurement*.
- Selden, T.M. and Song, D. (1994). Environmental quality and development: is there a Kuznets curve for air pollution emissions?. *Journal of Environmental Economics and management*, 27(2):147-162.
- Sen, K. (2014). Governance and development outcomes in Asia. *Asian Development Bank (ADB), Working Paper* No. 384.
- Siddiqui, D.A. and Ahmed, Q.M. (2013). The effect of institutions on economic growth: A global analysis based on GMM dynamic panel estimation. *Structural Change and Economic Dynamics*, 24: 18-33.
- Silberberger, M. (2015). Regulation, trade and economic growth. *Center for European Governance and Economic Development, Discussion Paper* No. 255.
- Srithongkul, P. and Pastpipatkul, P. (2013). Impacts of economic variables and the corruption perception index on human development. *Journal of The Empirical Econometrics and Quantitative Economics Letters*, 2(1): 71-78.
- Subbarao, P.S. (2008). A study on foreign direct investment (FDI) in Indian tourism. *In Conference on Tourism in India-Challenges Ahead, India*.
- Tabellini, G. (2010). Culture and institutions: economic development in the regions of Europe. *Journal of the European Economic Association*, 8(4): 677-716
- Usui, N. (1997). Dutch disease and policy adjustments to the oil boom: a comparative study of Indonesia and Mexico. *Resources policy*, 23(4):151-162.